

شورش‌های فرانسه حاصل شرایط فلاکت‌بار است^۱

نویسندگان: تومک اسکومسکی^۲، ماریون بواله^۳

مترجم: حمید ذوالقدر

شورش‌هایی مانند آنچه در فرانسه جریان دارد، حاصل یک جنایت کوچک نیست. این شورش‌ها نتیجه‌ی خشم گسترده از پلیس جنایتکار، نابرابری نژادی و محرومیت اجتماعی است.

هم زمان که ما این سطور را می‌نویسیم، خبرهایی که از شورش فرانسه در جهان مخابره می‌شود از غارت مغازه‌ها و به آتش کشیده شدن همه‌چیز توسط آشوب‌گران صحبت می‌کنند.

اما این شورش‌ها، عصیان مردم است. شورش علیه خشونت پلیس، علیه احساس شهروند درجه دو بودن و علیه بحران جدی هزینه‌های زندگی در فرانسه. این بحران در ۲۷ ژوئن آغاز شد، یعنی هنگامی ناهل مرزوک^۴ نوجوان هفده ساله‌ی ساکن یکی از محله‌های کارگری شهر نانتر^۵ به دست یک مامور پلیس در حالی که تلاش داشت از ایست بازرسی پلیس جاده‌ای فرار کند به قتل رسید.

این جنایت اتفاقی نادر به حساب نمی‌آید چرا که کشتار توسط پلیس از زمانی که رئیس جمهور پیشین فرانسه فرانسوا اولاند^۶ لایحه‌ی اجازه‌ی استفاده از سلاح گرم در صورت سرپیچی از دستور پلیس را به تصویب رساند به شدت افزایش یافته است.

¹ <https://jacobin.com/2023/07/france-riots-nahel-m-police-brutality>

² Tomek Skomski

³ Marion Beauvallet

⁴ Nahel Merzouk

⁵ Nanterre

⁶ Francois Hollande

اما این که خشم عمومی بعد از این قتل خاص بروز کرده است، بخاطر سال‌ها بدرفتاری است که پلیس فرانسه انجام می‌دهد. نتیجه‌ی مطالعه‌ای در فرانسه به سال ۲۰۱۷ این حقیقت را نشان می‌داد که اگر به عنوان یک مرد عرب یا سیاهپوست شناخته می‌شوید، بیست برابر بیش‌تر از دیگر مردم شانس بازرسی شدن توسط پلیس فرانسه را خواهید داشت. همچنین محله‌های کارگری که این شورش‌ها در آنها جریان دارد به شدت دچار کمبود منابع در بخش خدمات عمومی هستند و نرخ بیکاری در آنها ۱۶ تا ۲۰ درصد است در حالی که نرخ بیکاری در سطح ملی به طور میانگین ۷ تا ۸ درصد است.

در شورش‌های اخیر تا به امروز ۲۳۰۰ نفر دستگیر شده‌اند که مشخصات آنها شباهت‌های بسیاری دارد. اکثر آنان نوجوانی هستند که اکثریت آنان هیچ سابقه‌ی کیفری ندارند و سنشان نیز بین چهارده تا هجده سال است. در بعضی از شب‌های شورش‌های اخیر میانگین سن دستگیرشدگان تنها ۱۷ سال بوده است.

اما تاکنون رهبران سیاسی فرانسه از طیف‌های گوناگون از درک عمق فاجعه خودداری کرده و به اتهامات نادرست متوسل شده‌اند. برای مثال بخش‌هایی از دولت و حزب راست‌گرای ^۷ Les Républicains، حزب چپ‌گرای "فرانسه‌ی تسلیم‌ناپذیر"^۸ را به خاطر عدم تبعیت از محکوم کردن شورش‌ها و تلاش برای یافتن راه حل سیاسی برای آن، به ایجاد آشوب در کشور متهم کرده است. هربار که بحران‌های اجتماعی شدت می‌گیرد، همین اتهام‌ها از سوی جناح راست و مکرونیست‌ها به چپ تکرار می‌شود.

در بالاترین سطح سیاسی، واکنش امانوئل مکرون به شورش‌ها همانطور که انتظار می‌رفت اقتدارگرا و وحشیانه بوده است. بیش از ۴۵ هزار پلیس در سراسر کشور برای سرکوب شورش بسیج شده‌اند. مکرون در سخنرانی خود متعهد شده که با شدت و سرعت با این شورش‌ها برخورد خواهد شد و رسانه‌های اجتماعی و بازی‌های ویدئویی را مقصر رفتار شورشیان نوجوان دانسته است. همچنین مکرون از والدین خواست مسئولیت کنترل و مراقبت از

^۷ حزب جمهوری خواهان

^۸ La France Insoumise

فرزندان خود در شب‌ها را به عهده بگیرند. اریک دوپوند مورتی^۹ اعلام کرد والدین نباید اجازه‌ی خروج فرزندان خود از خانه را بدهند و تهدید کرد در غیر این صورت تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

جمعه‌ی گذشته سازمان ملل از فرانسه خواست به طور جدی با مشکلات عمیق نژادپرستی در میان مجریان قانون برخورد کند. دولت فرانسه در پاسخ اعلام کرد هرگونه اتهام نژادپرستی و یا تبعیض سیستماتیک توسط مجریان قانون در فرانسه کاملاً بی‌اساس است. همچنین تا به حال هیچ‌گونه اطلاعی سیاسی یا راه حل سیاسی برای پایان دادن به شورش‌ها از سوی دولت پیشنهاد نشده است.

راست افراطی خواستار اعلام وضعیت اضطراری شده است و برخی از سیاستمداران این گروه‌ها شورش‌های اخیر را جنگ تمدنی خوانده‌اند و استدلال می‌کنند شورش‌ها توسط نوادگان مهاجران رهبری می‌شود. آنها از دولت خواسته‌اند که اگر دولت از برقراری نظم در خیابان‌ها ناتوان است اجازه دهد مردم این کار را انجام دهند. در حالی که مکرون به چپ رادیکال حمله می‌کند شبه نظامیان فاشیست با چوب بیسبال در شهرهای آنژ، لورین و هکچنین در لیون جایی که فاشیست‌ها با شعار "این کشور ماست" در خیابان‌ها حضور دارند، در واقع پلیس و فاشیست‌ها در حال اجرای کنسرتی هماهنگ هستند. در روزهای اخیر دو اتحادیه پلیس بیانیه‌هایی صادر و و اعلام کردند نیروهای آنان را در حال جنگ با خس و خاشاک و وحشی‌ها هستند!!

آنچه بسیار ترسناک است عدم مواجهه‌ی سیاسی با این شورش‌ها توسط تقریباً تمام نیروها و احزاب سیاسی است. به نظر می‌رسد تنها پاسخ طبقه‌ی سیاسی حاکم سرکوب است. تنها حزبی که تلاش دارد با این شورش‌ها مواجهه‌ای سیاسی داشته باشد، حزب چپ‌گرای "فرانسه‌ی تسلیم ناپذیر" است. حزبی که شاخه‌ی پارلمانی آن راه حل‌هایی را برای پایان دادن به بحران‌هایی که منشا این شورش‌هاست، ارائه کرده است.

⁹ Eric Dupondmoretti

اولین خواسته لغو لایحه‌ای است که در سال ۲۰۱۷ تصویب شد و به افسران پلیس اجازه‌ی شلیک به ناهل جوان را داد. همچنین آنها خواستار تشکیل کمیسیون حقیقت یاب درباره‌ی خشونت جدی پلیس و یک سرمایه‌گذاری گسترده در محله‌های کارگر نشین هستند.

در واقع چپ رادیکال یک طرح فوری برای غلبه بر بحران را پیشنهاد می‌دهد که شامل مفروض قراردادن شورش‌ها در قلمروی سیاسی است یعنی شورش‌ها نتیجه‌ی تربیت بد والدین، شبکه‌های اجتماعی و یا اسنپ‌چت نیستند بلکه ناشی از یک بحران تمام عیار سیاسی‌اند که دلایل آن دیرینه بوده و باید به طور جدی مورد توجه قرار بگیرند.

در همین راستا ژان لوک ملانشون^{۱۰} در شبکه‌ی تلویزیونی LCI گفت: "انتظار نمی‌رود یک سیاستمدار مردم را به آرامش و یا به اعتصاب دعوت کند، از او انتظار می‌رود آرامش را بسازد و برای این کار لازم است مشکلات موجود به صورت عقلانی و محسوس حل شوند" در جریان انتخابات ریاست جمهوری قبلی، چپ‌ها خواستار بازنگری در ساختار سازمان نظارت بر پلیس ملی، انحلال تیم ضد جنایت پلیس و ایجاد یک نیروی پلیس جمهوری خواه عاری از نژادپرستی بودند. آنها همچنین از تصویب یک منشور اخلاقی، اجرای ساز و کارهای جدید برای مبارزه با نژادپرستی و همچنین بهبود برنامه‌ی آموزشی پلیس حمایت کرده بودند امری که {بهبود برنامه‌ی آموزشی پلیس} مستلزم افزایش مدت زمان تحت آموزش بودن افسران پلیس و اصلاح محتوای آن -به طور مثال گذراندن دوره‌های جامعه‌شناسی- است.

بحران این روزها در فرانسه نشان فرسایشی شدن شرایط در این کشور است. بدون هیچ اقدامی علیه سرکوب نژادی وجداسازی نژادی که جامعه فرانسه را مسموم کرده است قتل ناهل جوان مانند کبریتی در انبار باروت جامعه فرانسه را منفجر کرد. رهبران سیاسی باید به صورت فوری بازنگری در نهاد پلیس را آغاز و اطمینان حاصل کنند

¹⁰ Jean Luc Melenchon

که وعده‌ی جمهوری خواهان مبنی بر دسترسی به آموزش عالی، اشتغال و از این دست چیزها در محله‌های محروم فرانسه به اجرا در خواهد آمد.